

# فصل ۱

## قرن ناآرام (۱۸۱۵-۱۸۷۰)

### خلاصه فصل:

دوره ۱۸۱۵ تا ۱۸۷۰ نمایانگر یکی از پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ فرانسه است که در آن پنج رژیم سیاسی متفاوت بر سر کار آمدند و سه انقلاب بزرگ رخ داد. این دوره شاهد تلاش مداوم برای یافتن تعادل میان اصول انقلاب ۱۷۸۹، خواسته‌های طبقات نوظهور صنعتی، و میراث سلطنتی بود.

### رژیم‌های این دوره:

- بازگشت بوربون‌ها (۱۸۱۴-۱۸۳۰): تلاش برای احیای سلطنت مشروطه
- سلطنت ژوئیه (۱۸۳۰-۱۸۴۸): سلطنت بورژوازی لویی-فیلیپ
- جمهوری دوم (۱۸۴۸-۱۸۵۲): آزمایش کوتاه دموکراسی
- امپراتوری دوم (۱۸۵۲-۱۸۷۰): بازگشت بنای پارتبیسم

**مفاهیم کلیدی:** مشروطه‌خواهی، لیبرالیسم، سوسیالیسم اولیه، ناسیونالیسم، صنعتی‌شدن، مسئله اجتماعی، طبقه کارگر، بنای پارتبیسم.

### ۱.۱ مقدمه: فرانسه در جستجوی ثبات

شکست ناپلئون در واترلو (ژوئن ۱۸۱۵) فرانسه را در وضعیتی پارادوکسیکال قرار داد: کشوری که انقلاب خود را به سراسر اروپا صادر کرده بود، اکنون تحت اشغال نظامی قدرت‌های پیروز قرار داشت و باید توان امراض جویی امپراتوری را می‌پرداخت. اما این فقط آغاز داستان بود.

«فرانسه همچون آتش‌شبانی است که گاه آرام می‌گیرد اما هرگز خاموش نمی‌شود. هر نسل باید منتظر فوران دیگری باشد.»

– آلکسی دو توکویل، ۱۸۵۶

دوره ۱۸۷۰-۱۸۱۵ را می‌توان از چند منظر تحلیل کرد:

### ۱.۱.۱ تنشی‌های ساختاری

۱. **تنش ایدئولوژیک:** میان اصول انقلاب (آزادی، برابری، حاکمیت ملی) و اصول سلطنتی (مشروعیت الهی، سلسه مراتب، سنت)
۲. **تنش طبقاتی:** میان اشرافیت قدیم، بورژوازی صنعتی و مالی، و طبقه کارگر نوظهور
۳. **تنش منطقه‌ای:** میان پاریس انقلابی و شهرستان‌های محافظه‌کار
۴. **تنش بین‌المللی:** میان خواست استقلال ملی و فشار قدرت‌های اروپایی برای حفظ وضع موجود

### ۲.۱ بازگشت بوربونها (۱۸۳۰-۱۸۱۴)

#### ۱.۲.۱ بازگشت اول و صد روز

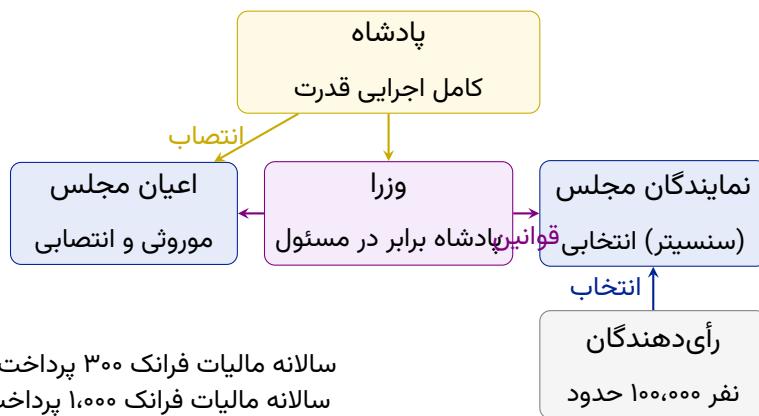
پس از تبعید ناپلئون به الب در آوریل ۱۸۱۴، لویی هجدهم (برادر لویی شانزدهم) به عنوان پادشاه به پاریس بازگشت. او که ۲۳ سال در تبعید زیسته بود، می‌دانست که بازگشت به رژیم پیش از انقلاب نه ممکن است و نه مطلوب.

جدول ۱.۱: مقایسه منشور ۱۸۱۴ با اعلامیه حقوق ۱۷۸۹

اعلامیه ۱۷۸۹	منشور ۱۸۱۴	موضوع
حاکمیت ملت	اعطای پادشاه (octroyer)	منبع قدرت
حقوق طبیعی غیرقابل سلب	تضمین شده (ماده ۱۲-۱)	آزادی‌های فردی
اصل بنیادین	حفظ شده	برابری قانونی
آزادی مذهبی	کاتولیک دین دولتی	مذهب
حق مقدس	مالکیت‌های ملی تضمین شده	مالکیت
مجلس ملی	دو مجلسی (انتصابی/انتخابی)	قوه مقننه
–	سنوسیتر (پرداخت مالیات)	حق رأی

منشور ۱۸۱۴ سندی سازشی بود که تلاش می‌کرد دستاوردهای اساسی انقلاب را با اصل سلطنت موروثی ترکیب کند. نکته کلیدی در فلسفه این سند بود: منشور توسط پادشاه «اعطا» شده بود، نه توسط ملت تصویب. این تفاوت ظریف اما بنیادین، مشروعیت نظام را بر پایه لطف سلطنتی قرار می‌داد نه حقوق ملت.

## ۱۸۱۴ منشور در قدرت ساختار



### ۲.۲.۱ ترور سفید و واکنش اولترا

بازگشت ناپلئون در دوره «صد روز» (مارس-ژوئن ۱۸۱۵) و شکست نهایی او در واترلو، موج جدیدی از خشونت سیاسی را در فرانسه برانگیخت. گروههای سلطنتطلب افراطی (Ultras) که از بازگشت قبلی ناپلئون خشمگین بودند، دست به انتقام جویی گستردند.

#### ترور سفید (۱۸۱۵)

موجی از خشونت علیه بنای پارتبیست‌ها، جمهوری‌خواهان، و پرووتستان‌ها در جنوب فرانسه:

- **قربانیان:** صدھا نفر کشته، هزاران نفر آواره
  - **مناطق:** نیم، آوبینون، تولوز، مارسی
  - **عاملان:** باندهای سلطنتطلب، اشرافیت محلی
  - **ویژگی:** آمیختگی انتقام سیاسی با تعصّب مذهبی
- مارشال برون، قهرمان جنگ‌های ناپلئونی، در آوبینون توسط جمعیت کشته شد.

### ۳.۲.۱ دوره لویی هجدهم (۱۸۱۴-۱۸۱۵)

لویی هجدهم، علی‌رغم سن بالا و مشکلات جسمی، سیاستمداری هوشمند بود که اهمیت میانه‌روی را درک می‌کرد. او در برابر فشارهای اولتراها مقاومت کرد و تلاش نمود تعادلی میان گرایش‌های مختلف برقرار سازد.

#### مجلس «یافت‌نشده» (۱۸۱۶-۱۸۱۵)

انتخابات اوت ۱۸۱۵ در فضای ترور سفید، مجلسی بسیار محافظه‌کار به وجود آورد که لویی هجدهم آن را «یافت‌نشدنی» (Chambre introuvable) نامید-چنان سلطنتطلب که حتی پادشاه نمی‌توانست چنین

مجلسی را تصور کند.

جدول ۲.۱: ترکیب سیاسی مجالس دوره بازگشت

دوره	اولtra	میانهرو	لیبرال	گرایش غالب
۱۸۱۶-۱۸۱۵	۳۵۰	۵۰	۱۰	اولترا
۱۸۲۰-۱۸۲۱	۹۰	۱۴۰	۱۲۰	میانهرو
۱۸۲۴-۱۸۲۰	۱۸۰	۱۰۰	۷۰	راست
۱۸۲۷-۱۸۲۴	۲۸۰	۵۰	۳۰	اولترا
۱۸۳۰-۱۸۲۷	۱۲۰	۸۰	۱۸۰	لیبرال

### دولت‌های میانهرو (۱۸۲۰-۱۸۲۱)

پس از انحلال مجلس یافت‌نشده، دولت‌های میانهروی دسز (Decazes) و ریشلیو سیاست‌هایی متعادل‌تر پیش گرفتند:

- ۱۸۱۸: خروج نیروهای اشغالگر متفقین
- ۱۸۱۸: قانون گومند-اصلاح نظام نظامی
- ۱۸۱۹: قوانین آزادی مطبوعات (نسبی)
- پرداخت غرامات: تکمیل پرداخت ۷۰۰ میلیون فرانک به متفقین

### چرخش به راست (۱۸۲۰)

ترور دوک دو بری (پسر کنت دو آرتوا و وارث احتمالی تاج) در فوریه ۱۸۲۰ توسط لوول، کارگری بنایپارتیست، نقطه عطفی در سیاست بازگشت بود. اولترتها این رویداد را بهانه‌ای برای تغییر جهت سیاسی قرار دادند.

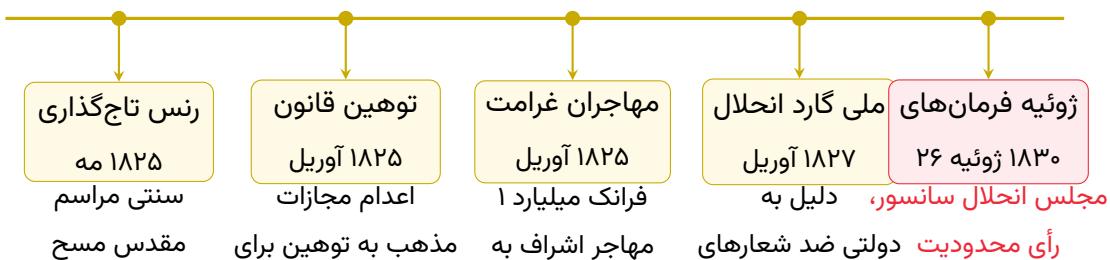
#### قانون «دو رأی» (۱۸۲۰)

این قانون به ثروتمندترین رأی‌دهندگان (حدود ۱۲،۰۰۰ نفر) اجازه می‌داد دو بار رأی دهند: یکبار در حوزه عادی و یکبار در «کالج‌های بزرگ» استانی. این تغییر تعادل قدرت را به نفع محافظه‌کاران برهم زد.

### ۴.۲.۱ دوره شارل دهم (۱۸۲۰-۱۸۲۴)

با مرگ لویی هجدهم در سپتامبر ۱۸۲۴، برادرش کنت دو آرتوا به عنوان شارل دهم به سلطنت رسید. برخلاف برادر عمل‌گرایش، شارل دهم معتقد راسخ به حق الهی پادشاهان و ضرورت بازگشت به نظم قدیم بود.

## دهم شارل ارتجاعی سیاست‌های



### نمادگرایی ارتجاعی

تاجگذاری شارل دهم در کلیسا‌ی جامع رنس با تمام مراسم سنتی—از جمله مسح با روغن مقدس و ادعای شفای بیماران—نمادی از گرایش او به احیای سلطنت مطلقه بود. این در حالی بود که فرانسه ربع قرن از انقلاب و دوره ناپلئونی را پشت سر گذاشته بود.

«شارل دهم از تبعید بازگشت بدون آنکه چیزی آموخته یا چیزی فراموش کرده باشد.»

— تالیران

### قانون غرامت به مهاجران

یکی از بحث‌برانگیزترین قوانین این دوره، «میلیارد مهاجران» بود که در آوریل ۱۸۲۵ تصویب شد. این قانون به اشرافیتی که اموالشان در انقلاب مصادره شده بود، غرامتی معادل حدود یک میلیارد فرانک (در قالب اوراق قرضه سه درصدی) اختصاص می‌داد.

جدول ۳.۱: تحلیل قانون غرامت مهاجران

جننه	توضیح
هدف رسمی	جبران خسارات واردہ به اشرافیت و تثبیت مالکیت‌های ملی
مبلغ	حدود ۹۸۸ میلیون فرانک در اوراق قرضه ۳٪
ذی‌نفعان	حدود ۲۵,۰۰۰ خانواده اشرافی
تأمین مالی	کاهش نرخ بهره اوراق دولتی از ۵٪ به ۳٪
انتقادات	پاداش دادن به کسانی که علیه انقلاب جنگیده بودند؛ فشار بر دارندگان اوراق
اثر سیاسی	تقویت روایت «ضد انقلابی» بودن رژیم

### دولت پولینیاک و بحران نهایی

در اوت ۱۸۲۹، شارل دهم ژول دو پولینیاک را به نخستوزیری منصوب کرد—اشرافی متعصب که در دوره ناپلئون به جرم توطئه زندانی بوده و نماد کامل ارتجاع محسوب می‌شد. این انتصاب موجی از نگرانی در

میان لیبرال‌ها برانگیخت.

انتخابات ژوئن-ژوئیه ۱۸۳۰ پیروزی قاطع اپوزیسیون لیبرال را نشان داد: ۲۷۴ نماینده لیبرال در برابر ۱۴۵ نماینده دولتی. پاسخ شارل دهم، صدور «فرمان‌های ژوئیه» بود.

## ۳.۱ انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰

### ۱.۳.۱ فرمان‌های ژوئیه

در ۲۶ ژوئیه ۱۸۳۰، شارل دهم با استناد به ماده ۱۴ منشور (که به پادشاه اجازه صدور فرمان برای «امنیت دولت» را می‌داد)، چهار فرمان صادر کرد:

#### فرمان‌های ژوئیه (۲۶ ژوئیه ۱۸۳۰)

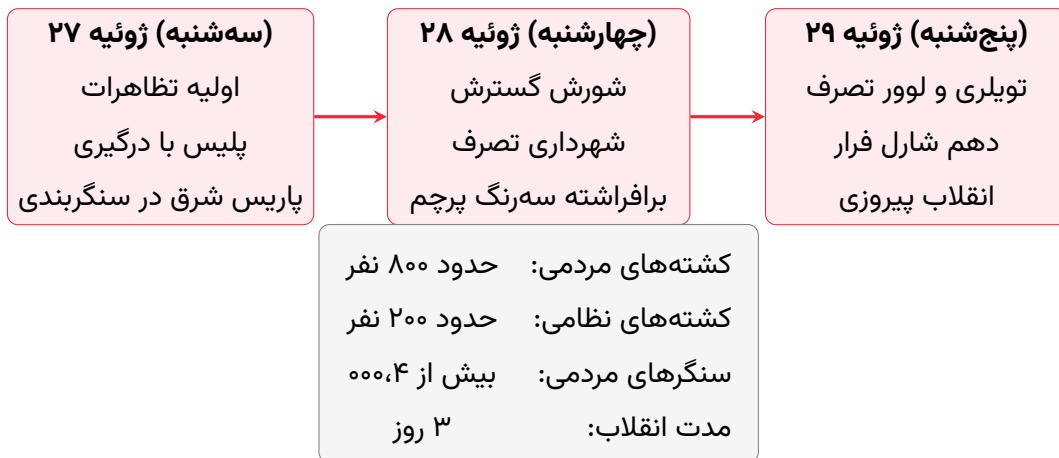
۱. تعلیق آزادی مطبوعات: همه نشریات نیاز به مجوز قبلی داشتند
۲. انحلال مجلس نمایندگان: مجلسی که هنوز تشکیل نشده بود
۳. اصلاح قانون انتخابات: حذف مالیات صنعتی و تجاری از شرایط رأی‌دهی (کاهش رأی‌دهندگان از ۱۰۰,۰۰۰ به ۲۵,۰۰۰)
۴. تعیین تاریخ انتخابات جدید: سپتامبر ۱۸۳۰

**هدف:** حذف بورژوازی تجاری و صنعتی از فرآیند سیاسی و بازگشت قدرت به زمین‌داران اشرافی

### ۲.۳.۱ سه روز شکوهمند

واکنش به فرمان‌ها سریع و قاطع بود. روزنامه‌نگاران لیبرال در همان روز ۲۶ ژوئیه اعتراض‌نامه‌ای امضا کردند. روز بعد، کارگران چاپخانه‌ها که بیکار شده بودند، به خیابان‌ها ریختند.

## (شکوهمند روز سه) Les Trois Glorieuses



### ترکیب اجتماعی انقلابیون

جدول ۱۴.۱: ترکیب اجتماعی کشته‌شدگان انقلاب ۱۸۳۰

طبقه/شغل	درصد	تعداد تقریبی
پیشه‌وران و کارگران	%۶۵	۵۲۰
صاحبان مغازه و کارگاه	%۱۵	۱۲۰
دانشجویان	%۸	۶۴
کارمندان و حرفة‌ای‌ها	%۷	۵۶
سایر	%۵	۴۰

نکته مهم این آمار: کسانی که در خیابان جنگیدند عمدهاً طبقات پایین‌تر بودند، اما کسانی که قدرت را به دست گرفتند، بورژوازی لیبرال بودند.

### ۳.۳.۱ سرقت انقلاب

در حالی که خیابان‌های پاریس هنوز بوی باروت می‌داد، نمایندگان لیبرال مجلس گرد هم آمدند تا آینده را تعیین کنند. دو گزینه پیش رو بود:

۱. **جمهوری:** خواست بخشی از انقلابیون، به‌ویژه جمهوری‌خواهان و طبقات پایین

۲. **سلطنت مشروطه جدید:** ترجیح بورژوازی لیبرال برای اجتناب از افراط‌گری

تالیران، سیاستمدار کهن‌کار، و تییر، روزنامه‌نگار لیبرال، لویی-فیلیپ دوک دو اورلئان را به عنوان نامزد سلطنت معرفی کردند. او از شاخه جوان‌تر بوربون‌ها بود، در انقلاب ۱۷۸۹ شرکت کرده، در ولمنی جنگیده، و به عنوان «شهروند-شاه» شناخته می‌شد.

«جمهوری ما را در جنگ با اروپا قرار می‌داد؛ دوک اورلئان یک شاهزاده است که به انقلاب وفادار بوده است.»

— تیر، ۳۰ ژوئیه ۱۸۳۰

در ۳۱ ژوئیه، لافایت—قهرمان پیر انقلاب‌ها—لویی-فیلیپ را در بالکن هتل دو ویل در آغوش گرفت و پرچم سه‌رنگ را به دست او داد. این صحنه نمادین، انقلاب را به سلطنت جدید انتقال داد.

## ۴.۱ سلطنت ژوئیه (۱۸۴۸-۱۸۳۰)

### ۱.۴.۱ ماهیت رژیم جدید

سلطنت ژوئیه از نظر نظری و عملی با بازگشت بوربون تفاوت‌های اساسی داشت:

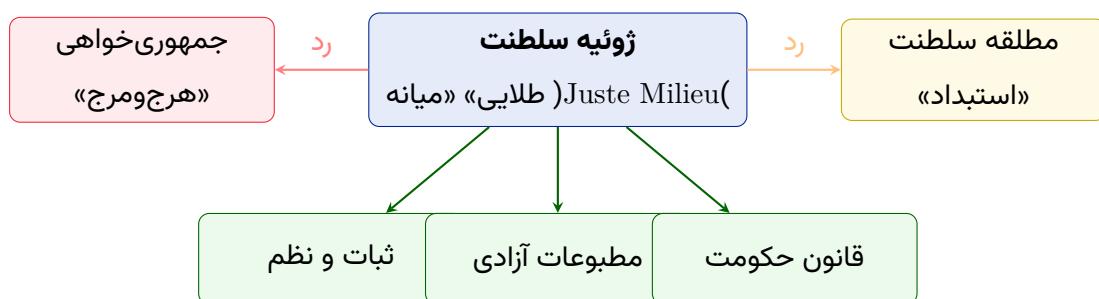
جدول ۱.۵: مقایسه منشور ۱۸۱۴ و منشور اصلاح شده ۱۸۳۰

موضوع	منشور ۱۸۱۴	منشور ۱۸۳۰
مبناي مشروعيت	اعطاي پادشاه	پذيرش ملت
عنوان پادشاه	پادشاه فرانسه	پادشاه فرانسویان
پرچم	سفید بوربونی	سه‌رنگ ملی
دين دولتي	کاتوليك	حذف (سکولار)
سانسور	مجاز	ممنوع برای هميشه
حق رأي (ماليات)	۳۰۰ فرانك	۲۰۰ فرانك
شرط نامزدي (ماليات)	۱،۰۰۰ فرانك	۵۰۰ فرانك
سن رأي دهي	۳۰ سال	۲۵ سال
تعداد رأي دهندگان	۰۰۰،۱۰۰	(بعداً ۰۰۰،۲۴۰،۱۶۶)

### طلایی» «میانه ژوئیه: سلطنت ایدئولوژی

جمهوری» نهادهای به محاط سلطنتی «عرش

گیزو —



### جدول ۶.۱: مشخصات لویی-فیلیپ اول

مشخصه	توضیح
تولد	۶ اکتبر ۱۷۷۳، پاریس
پدر	لویی-فیلیپ دوک اورلئان («فیلیپ برابری»)
در انقلاب	عضو ژاکوبین‌ها، جنگید در ولمنی و ژمپ
تبعد	۱۸۹۳-۱۸۱۴ (سوئیس، آمریکا، انگلستان)
سبک زندگی	ساده، بدون تشریفات، با چتر در خیابان
شعار	«غنى‌سازی خود» (Enrichissez-vous)
نهایت	فرار به انگلستان ۱۸۴۸، مرگ ۱۸۵۰

### ۲.۴.۱ لویی-فیلیپ: شهروند-شاه

لویی-فیلیپ تصویری از «شهروند-شاه» ارائه می‌داد: مردی که با چتر در خیابان‌های پاریس قدم می‌زد، با شهروندان دست می‌داد، و فرزندانش را به مدارس عمومی می‌فرستاد. اما این تصویر مردمی پوششی بود بر حکومتی که اساساً در خدمت بورژوازی مالی و صنعتی قرار داشت.

### ۳.۴.۱ اپوزیسیون‌های سلطنت ژوئیه

سلطنت ژوئیه از همان آغاز با مخالفت‌های گوناگون مواجه بود:



### شورش‌ها و سرکوب‌ها

#### شورش کارگران ابریشم‌باف لیون (نوامبر ۱۸۳۱)

اولین شورش بزرگ طبقه کارگر صنعتی در تاریخ فرانسه:

- علت: کاهش دستمزد توسط تاجران ابریشم

### جدول ۷.۱: شورش‌های مهم دوره سلطنت ژوئیه

نتیجه	ماهیت	مکان	سال
سرکوب	شورش کارگران ابریشم‌باف (کانو)	لیون	۱۸۳۱
سرکوب	شورش جمهوری خواهان	پاریس	۱۸۳۲
سرکوب خونین	شورش کارگری-جمهوری خواه	لیون و پاریس	۱۸۳۴
شکست	قیام بلانکی	پاریس	۱۸۳۹
شکست و زندان	کودتا لویی-ناپلئون	بولونی	۱۸۴۰

- **شعار:** «زنده باد کار یا بمیریم در نبرد» (Vivre en travaillant ou mourir en combattant)
- **مشارکت:** حدود ۳۰۰۰ کارگر
- **نتیجه:** تصرف موقت شهر، سپس سرکوب توسط ارتش
- **اهمیت:** نشان‌دهنده ظهور «مسئله اجتماعی» (question sociale)

### ۱۴.۴.۱ سیاست‌های داخلی

#### دولت‌های کلیدی

- **کازیمیر پریه (۱۸۳۱-۱۸۳۲):** سرکوب شورش‌ها، ثبات مالی
- **سولت و برولی (۱۸۳۲-۱۸۳۶):** ائتلاف محافظه‌کار
- **موله و تیر (۱۸۴۰-۱۸۴۶):** رقابت سیاسی
- **گیزو (۱۸۴۸-۱۸۵۰):** محافظه‌کاری و مقاومت در برابر اصلاحات

#### سیاست گیزو

فرانسوا گیزو، مورخ و سیاستمدار، از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۸ شخصیت غالب سیاست فرانسه بود. او طرفدار حکومت «ظرفیت‌ها» (capacités) بود—یعنی حکومت کسانی که ثروت یا تحصیلاتشان نشان‌دهنده توانایی‌شان برای مشارکت سیاسی است.

«غنى شويد از طريق کار و پسانداز، و رأى دهنده خواهيد شد.»

— گیزو (نقل قول منتب)

گیزو در برابر هر نوع اصلاح انتخاباتی مقاومت می‌کرد. وقتی در ۱۸۴۷ لایحه‌ای برای کاهش شرط مالیاتی رأی دهنی به ۱۰۰ فرانک مطرح شد، گیزو مخالفت کرد. این سرسختی، زمینه‌ساز سقوط رژیم شد.

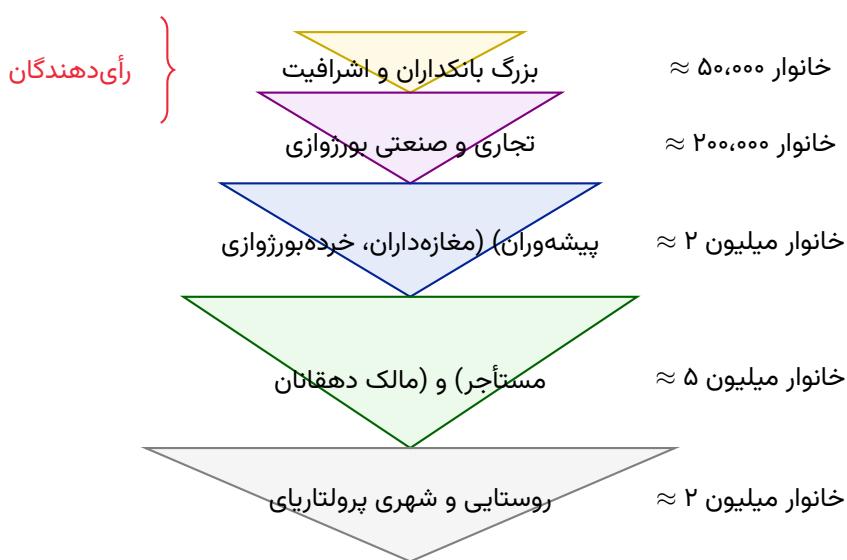
## ۵.۴.۱ تحولات اقتصادی و اجتماعی

دوره سلطنت ژوئیه مصادف با آغاز صنعتی شدن جدی فرانسه بود:

جدول ۱.۸: شاخصهای توسعه اقتصادی ۱۸۳۰-۱۸۴۸

شاخص	۱۸۳۰	۱۸۴۸	تغییر
خطوط راه آهن (کیلومتر)	۰	۸۰۰,۱	-
تولید زغال سنگ (میلیون تن)	۸.۱	۴.۴	% ۱۴۴+
تولید آهن (هزار تن)	۲۲۰	۵۹۰	% ۱۶۸+
ماشینهای بخار	۶۲۵	۸۵۳,۴	% ۶۷۷+
جمعیت پاریس (میلیون)	۷۸.۰	۰۵.۱	% ۳۵+

### ۱۸۴۰ دهه در فرانسه طبقاتی ساختار



## ۵.۱ انقلاب ۱۸۴۸ و جمهوری دوم

### ۱.۵.۱ زمینه‌های انقلاب

سال‌های ۱۸۴۶-۱۸۴۷ شاهد بحران‌های متعدد بود که زمینه را برای انقلاب فراهم کرد:

- بحران کشاورزی (۱۸۴۶): آفت سیب‌زمینی و محصولات غلات، گرسنگی گسترده
- بحران صنعتی (۱۸۴۷): رکود تولید، بیکاری انبوه
- بحران مالی: ورشکستگی بانک‌ها، سقوط بورس
- بحران سیاسی: رسوایی‌های فساد، سرسختی در کابینه گیزو
- بحران مشروعیت: امتناع از اصلاحات انتخاباتی

### کمپین ضیافت‌ها

از ژوئیه ۱۸۴۷، اپوزیسیون لیبرال و جمهوری خواه «کمپین ضیافت‌ها» (Campagne des banquets) را سازمان داد. چون تجمعات سیاسی ممنوع بود، مخالفان در قالب مهمانی‌های خصوصی گرد هم می‌آمدند و سخنرانی می‌کردند. بیش از ۷۰ ضیافت در سراسر فرانسه برگزار شد.

#### خواسته‌های کمپین ضیافت‌ها:

- کاهش شرط مالیاتی رأی‌دهی به ۱۰۰ فرانک
- افزودن «ظرفیت‌ها» (تحصیل‌کردن) به رأی‌دهندگان
- اصلاحات پارلمانی
- (جناح رادیکال: رأی همگانی مردان)

### ۲.۵.۱ روزهای فوریه ۱۸۴۸

دولت گیزو ضیافت بزرگ پاریس را که برای ۲۲ فوریه ۱۸۴۸ برنامه‌ریزی شده بود، ممنوع کرد. این ممنوعیت جرقه انقلاب را زد.

#### ۱۸۴۸ فوریه انقلاب



#### سقوط سلطنت

صبح ۲۴ فوریه، لویی-فیلیپ که دید ارتش حاضر به سرکوب نیست، به نفع نوه‌اش کناره‌گیری کرد و به انگلستان گریخت. اما جمعیت به کاخ بوربون (مجلس نمایندگان) هجوم آورد و اجازه نداد نیابت سلطنت تشکیل شود. نمایندگان تحت فشار جمعیت، دولت موقت جمهوری را اعلام کردند.

«جمهوری در فرانسه اعلام شده است. این جمهوری، حکومتی است که ملت فرانسه می‌خواهد...  
جمهوری آرام‌بخش‌ترین و در عین حال قهرمانانه‌ترین شکل حکومت است.»  
— آلفونس دو لامارتین، ۲۵ فوریه ۱۸۴۸

### ۳.۵.۱ دولت موقت و آرمان‌گرایی بهار ۱۸۴۸

دولت موقت ترکیبی بود از جمهوری‌خواهان میانه‌رو و سوسیالیست‌ها:

جدول ۹.۱: ترکیب دولت موقت (فوریه ۱۸۴۸)

نام	گرایش	سمت/نقش
لامارتین	جمهوری‌خواه میانه‌رو	امور خارجه، رهبری عملی
لدرو-رولن	جمهوری‌خواه رادیکال	کشور
آراگو	جمهوری‌خواه	درباداری، جنگ
ماری	جمهوری‌خواه میانه‌رو	امور عمومی
کِرمیو	جمهوری‌خواه	دادگستری
لویی بلان	سوسیالیست	کمیسیون کارگری
آلبر	کارگر سوسیالیست	کمیسیون کارگری

### اصلاحات بنیادین

دولت موقت در چند هفته اول، اصلاحاتی انقلابی تصویب کرد:

#### دستاوردهای بهار ۱۸۴۸

۱. **رأی همگانی مردان** (۲ مارس): افزایش رأی دهنگان از ۲۵۰,۰۰۰ به ۹ میلیون
۲. **لغو بردۀ داری** (۲۷ آوریل): در همه مستعمرات فرانسه
۳. **آزادی کامل مطبوعات و تجمعات**
۴. **لغو مجازات اعدام برای جرائم سیاسی**
۵. **کاهش ساعت کار**: ۱۰ ساعت در پاریس، ۱۱ ساعت در شهرستان
۶. **کارگاه‌های ملی**: اشتغال دولتی برای بیکاران
۷. «**حق کار**»: به رسمیت شناخته شد (در اصل)

### کارگاه‌های ملی

یکی از بحث‌برانگیزترین نهادهای جمهوری دوم، «کارگاه‌های ملی» (Ateliers nationaux) بود. این طرح، که توسط امیل توما اجرا شد (نه لویی بلان که ایده‌های متفاوتی داشت)، به بیکاران کار یا یارانه می‌داد.

جدول ۱۰.۱: کارگاههای ملی: آمار و مشکلات

مشکل	هزینه	نوع کار	دستمزد	اوج ثبت‌نام	ثبت‌نام اولیه	توضیح
جذب بیکاران سراسر فرانسه به پاریس	بحران مالی برای دولت	عمدتاً خاکبرداری، کار غیرمولده	فرانک در روز کار، ۱ فرانک بدون کار	ژوئن ۱۸۴۸: بیش از ۱۰۰ هزار نفر	مارس ۱۸۴۸: ۱۱۴ هزار نفر	۱۰.۱: کارگاههای ملی: آمار و مشکلات
مشکل	هزینه	نوع کار	دستمزد	اوج ثبت‌نام	ثبت‌نام اولیه	توضیح
مشکل	هزینه	نوع کار	دستمزد	اوج ثبت‌نام	ثبت‌نام اولیه	۱۰.۱: کارگاههای ملی: آمار و مشکلات

### ۴.۵.۱ انتخابات آوریل و چرخش به راست

انتخابات مجلس مؤسسان در ۲۳ آوریل ۱۸۴۸—اولین انتخابات با رأی همگانی در تاریخ فرانسه—نتایجی غیرمنتظره داشت:

#### ۱۸۴۸ آوریل انتخابات نتایج



دادند. رأی محافظه‌کار جمعیت) ۷۵٪ (روستاها تحلیل:  
کردند. هدایت را بی‌سود رأی دهنده‌گان زمین‌داران و کشیشان  
رادیکال‌ها. و سوسيالیست‌ها نسبی شکست

### ۵.۵.۱ روزهای ژوئن: جنگ داخلی طبقاتی

با تسلط جمهوری‌خواهان میانه‌رو و سلطنت‌طلبان بر مجلس، تصمیم به انحلال کارگاههای ملی گرفته شد. در ۲۱ ژوئن ۱۸۴۸، فرمان انحلال صادر شد: کارگران جوان باید به ارتش می‌پیوستند یا به پروزه‌های زهکشی در سولونی (مناطق باتلاقی) می‌رفتند.

#### قیام ژوئن ۱۸۴۸ (۲۶-۲۳ ژوئن)

خونین‌ترین درگیری خیابانی در تاریخ پاریس تا آن زمان:

- شورشیان: ۴۰،۵۰،۰۰۰ تا ۵۰،۰۰۰ کارگر مسلح
- مناطق: شرق و شمال پاریس ( محلات کارگری)
- سنگرهای: بیش از ۴۰۰ سنگر
- سرکوبگر: ژنرال کاونیاک با اختیارات دیکتاتوری
- کشته‌ها: ۱،۵۰۰ نفر در نبرد، ۳،۰۰۰ نفر در اعدام‌های صحرایی
- بازداشت‌ها: ۱۵،۰۰۰ نفر
- تبعید: ۱۴،۵۰۰ نفر به الجزایر

شعار شورشیان: «نان یا سرب!» (Du pain ou du plomb!)

«این جنگ داخلی نبود؛ این جنگ طبقاتی بود. از یک سو همه کسانی که چیزی داشتند، از سوی دیگر همه کسانی که هیچ نداشتند.»

—آلکسی دو توکویل، «یادبودها»

### پیامدهای ژوئن

- پایان آرمان‌گرایی: «توهم لیریک» (illusion lyrique) بهار ۱۸۴۸ نابود شد
- شکاف طبقاتی: بورژوازی و پرولتاریا به عنوان دشمنان طبقاتی رو در روی هم قرار گرفتند
- ترس از «سرخ‌ها»: محافظه‌کاران و لیبرال‌ها به «حزب نظم» پیوستند
- زمینه‌سازی برای بنای پارتبیسم: خواست «مردی قوی» برای حفظ نظام

### ۶.۵.۱ قانون اساسی جمهوری دوم

مجلس مؤسسان در نوامبر ۱۸۴۸ قانون اساسی جدید را تصویب کرد:

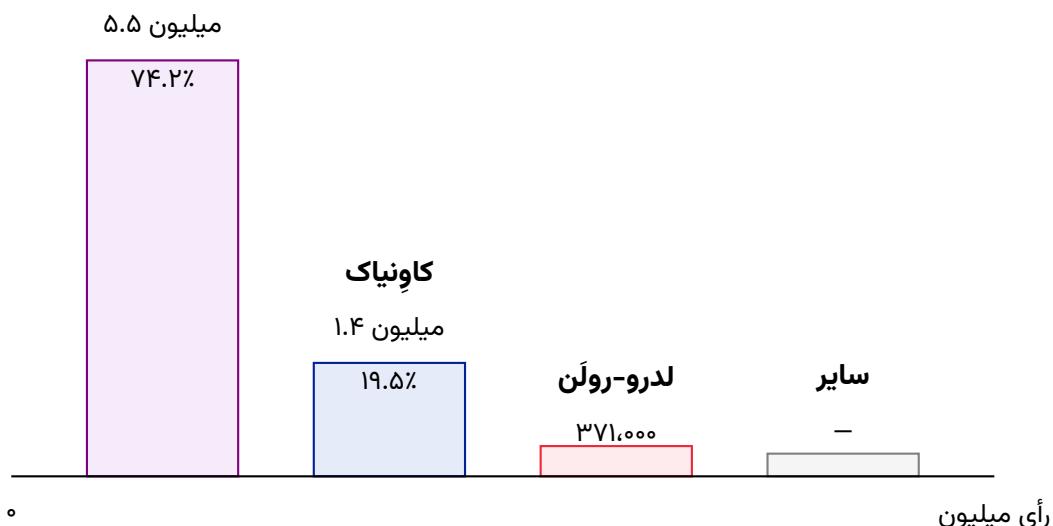
#### جدول ۱۱.۱: ویژگی‌های قانون اساسی ۱۸۴۸

ویژگی	توضیح
رئیس‌جمهور	انتخاب مستقیم توسط مردم، دوره ۴ ساله، بدون حق انتخاب مجدد
مجلس	یک مجلسی، ۷۵۰ نماینده، دوره ۳ ساله
حق رأی	همگانی مردان بالای ۲۱ سال
حقوق	آزادی‌های اساسی، «حق آموزش و کمک»
تفکیک قوا	سخت‌گیرانه، بدون مکانیزم حل بن‌بست
ضعف ساختاری	رئیس‌جمهور قوی + مجلس قوی = احتمال بحران

## ۷.۵.۱ انتخابات ریاست جمهوری دسامبر ۱۸۴۸

انتخابات ۱۰ دسامبر ۱۸۴۸ نتیجه‌ای شگفت‌انگیز داشت:

### ۱۸۴۸ ریاست جمهوری انتخابات نتایج لویی-نایپلئون



### چرا لویی-نایپلئون؟

- افسانه نایپلئونی: نام «بنایپارت» نماد شکوه ملی
- نارضایتی روستاییان: مالیات ۴۵ سانتیم بر هر فرانک که دولت موقت وضع کرده بود
- ترس بورژوازی: امید به «نظم» پس از ژوئن
- امید کارگران: وعده‌های اجتماعی در کتاب «نابودی فقر»
- ضعف رقبا: کاوینیاک با سرکوب ژوئن منفور بود

## ۶.۱ از جمهوری به امپراتوری (۱۸۴۸-۱۸۵۲)

### ۱.۶.۱ لویی-نایپلئون بنایپارت

### ۲.۶.۱ جمهوری محافظه‌کار (۱۸۴۹-۱۸۵۱)

انتخابات مجلس قانونگذاری در مه ۱۸۴۹ پیروزی «حزب نظم» (ائتلاف سلطنت طلبان اورلئانیست و لژیتیمیست) را نشان داد. این مجلس سیاست‌های ارجاعی پیش گرفت:

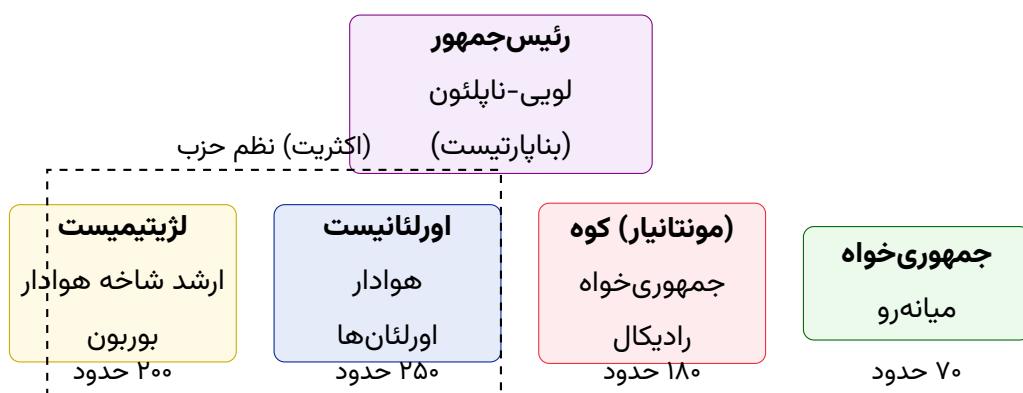
- قانون فالو (مارس ۱۸۵۰): گسترش نقش کلیسا در آموزش
- قانون انتخاباتی (ماه ۱۸۵۰): محدودیت رأی دهنده با شرط اقامت سه ساله (حذف ۳ میلیون رأی دهنده)

## جدول ۱۲.۱: زندگی نامه لویی-نایپلئون تا ۱۸۴۸

تاریخ	رویداد
۱۸۰۸	تولد در پاریس (پسر لویی بناپارت، برادر نایپلئون اول)
۱۸۱۵	تبعید خانواده پس از واترلو
۱۸۳۱	شرکت در شورش کربوناری در ایتالیا
۱۸۳۶	کودتای ناموفق در استراسبورگ
۱۸۴۰	کودتای ناموفق در بولونی، محکومیت به حبس ابد
۱۸۴۶	فرار از قلعه هام
۱۸۴۸	بازگشت به فرانسه، انتخاب به ریاست جمهوری

## • محدودیت مطبوعات و تجمعات

## ۱۸۴۹-۱۸۵۱ سیاسی بازیگران



## ۳.۶.۱ بحران ۱۸۵۱ و کودتا

قانون اساسی اجازه انتخاب مجدد رئیس جمهور را نمی‌داد. لویی-نایپلئون از ۱۸۵۰ تلاش کرد مجلس را به تغییر قانون اساسی متقادع کند، اما اکثریت سه‌چهارم لازم را به دست نیاورد (با ۴۴۶ رأی موافق در برابر ۲۷۸ مخالف، ۱ نوامبر، ۱۸۵۱).

## کودتا ۲ دسامبر ۱۸۵۱

در سالگرد تاجگذاری نایپلئون اول و پیروزی آستریلیتیز:

۱. شب ۲-۱ دسامبر: بازداشت ۷۸ نماینده مجلس و رهبران سیاسی
  ۲. ۲ دسامبر صبح: اعلامیه‌های رئیس جمهور: انحلال مجلس، برقراری حکومت نظامی
  ۳. ۴-۳ دسامبر: مقاومت محدود در پاریس، سنگربندی
  ۴. ۴ دسامبر: سرکوب خونین؛ تیراندازی به جمعیت در بولوارها
  ۵. ۱۰-۵ دسامبر: قیام‌های پراکنده در شهرستان‌ها، سرکوب
- قربانیان: حدود ۴۰۰ کشته در پاریس، ۲۷، ۰۰۰ بازداشت، ۱۰، ۰۰۰ تبعید

«این عمل یک جنایت است... پیروزی خواهد یافت اما تاریخ آن را محکوم خواهد کرد.»  
– ویکتور هوگو، «ناپلئون کوچک»

### ۴.۶.۱ همه‌پرسی و مشروعیت‌سازی

لوبی-ناپلئون برای مشروعیت‌بخشی به کودتا، همه‌پرسی برگزار کرد:

جدول ۱۳.۱: نتایج همه‌پرسی دسامبر ۱۸۵۱

درصد	تعداد	گزینه
% ۹۲	۰۰۰,۴۳۹,۷	آری
% ۸	۰۰۰,۶۴۰	نه

یک سال بعد، همه‌پرسی دیگری برگزار شد (نوامبر ۱۸۵۲) که با ۸.۷ میلیون رأی موافق، امپراتوری را تأیید کرد. در ۲ دسامبر ۱۸۵۲، لوبی-ناپلئون به عنوان **ناپلئون سوم** امپراتور فرانسویان شد.

## ۷.۱ امپراتوری دوم (۱۸۵۲-۱۸۷۰)

### ۱.۷.۱ ماهیت رژیم

امپراتوری دوم ترکیبی بود از عناصر متناقض:



### ۲.۷.۱ دوره‌بندی امپراتوری

#### ۳.۷.۱ تحولات اقتصادی

امپراتوری دوم دوره‌ای از رشد اقتصادی بی‌سابقه بود:

جدول ۱۴.۱: دوره‌های امپراتوری دوم

دوره	سال‌ها	ویژگی‌ها
امپراتوری اقتدارگرا	۱۸۶۰-۱۸۵۲	سانسور شدید، کنترل انتخابات، رونق اقتصادی
گذار	۱۸۶۳-۱۸۶۰	آزادسازی تدریجی، عفو سیاسی
امپراتوری لیبرال	۱۸۷۰-۱۸۶۳	آزادی نسبی مطبوعات، قدرت بیشتر مجلس

## انقلاب راه‌آهن

جدول ۱۵.۱: توسعه شبکه راه‌آهن فرانسه

سال	کیلومتر خط	مسافر (میلیون)
۲۰	۰۰۰,۳	۱۸۵۰
۳۵	۵۰۰,۵	۱۸۵۵
۵۵	۵۰۰,۹	۱۸۶۰
۸۵	۵۰۰,۱۳	۱۸۶۵
۱۱۰	۵۰۰,۱۷	۱۸۷۰

## نوسازی پاریس

بارون اوسمان، استاندار سن، پاریس را طی ۱۷ سال (۱۸۵۳-۱۸۷۰) دگرگون کرد:

### پروژه اوسمان: بازسازی پاریس

- بولوارهای بزرگ: ۱۳۷ کیلومتر خیابان جدید، پهنهای ۳۰-۲۰ متر
- تخریب: ۰۰۰,۲۰ ساختمان قدیمی
- ساخت: ۰۰۰,۴۰ ساختمان جدید با نمای یکسان
- فاضلاب: ۵۰۰ کیلومتر شبکه جدید
- آب: آبرسانی از رودخانه‌های دوردست
- پارک‌ها: بولون، ونسن، بوتشومون، مونسو
- هزینه: ۵.۲ میلیارد فرانک

نقد: جابجایی اجباری طبقات فقیر به حومه، تسهیل سرکوب شورش‌ها

## نظام بانکی

- کردی موبیلیه (۱۸۵۲): بانک سرمایه‌گذاری صنعتی برادران پریر
- کردی فونسیه (۱۸۵۲): وام مسکن
- کردی لیونه (۱۸۶۳): بانک تجاری

- سوسیته ژنرال (۱۸۶۴): بانک تجاری

## ۴.۷.۱ سیاست خارجی

ناپلئون سوم خواهان بازگرداندن فرانسه به جایگاه قدرت بزرگ اروپایی بود:

جدول ۱۶.۱: جنگ‌های امپراتوری دوم

نتیجه	دلیل/هدف	جنگ	سال
پیروزی	حمایت از عثمانی، اعتبار	کریمه	۵۶-۱۸۵۴
پیروزی (ساووا و نیس)	حمایت از وحدت ایتالیا	ایتالیا	۱۸۵۹
موفق	حمایت از مسیحیان	سوریه	۶۱-۱۸۶۰
فاجعه	امپراتوری دستنشانده	مکزیک	۶۷-۱۸۶۲
شکست کامل	مخالفت با وحدت آلمان	پروس	۱۸۷۰

## ۵.۷.۱ لیبرالیزمیون دهه ۱۸۶۰

از ۱۸۶۰، ناپلئون سوم تحت فشارها (مخالفت کاتولیک‌ها با سیاست ایتالیایی، نارضایتی صنعتگران از قرارداد تجارت آزاد با انگلستان، رشد اپوزیسیون) به لیبرالیزمیون تدریجی روی آورد:

- ۱۸۶۰: حق مجلس برای پاسخ به نطق تاج

- ۱۸۶۱: انتشار مذاکرات مجلس در روزنامه‌ها

- ۱۸۶۴: حق اعتصاب برای کارگران

- ۱۸۶۷: حق سؤال نمایندگان از وزرا

- ۱۸۶۸: آزادی نسبی مطبوعات و تجمعات

- ۱۸۷۰: «امپراتوری پارلمانی»—مسئولیت وزرا در برابر مجلس

## ۶.۷.۱ اپوزیسیون

### دوم امپراتوری اپوزیسیون

#### جمهوری خواهان

فاور ژول گامبta،  
سیمون ژول فری،

#### اورلئانیست‌ها

تییر  
محافظه‌کار لیبرالیسم

#### سوسیالیست‌ها

بلانکی پرودون،  
(۱۸۶۴) اول انترناسیونال

#### کاتولیک‌ها

ایتالیایی سیاست مخالف  
مونتالامبر

#### لژیتیمیست‌ها

بوربون ارشد شاخه  
اقلیت

«امپراتوری، این صلح است.»

— ناپلئون سوم، ۱۸۵۲

«اگر امپراتوری صلح است، پس این جنگ‌ها چیست؟»

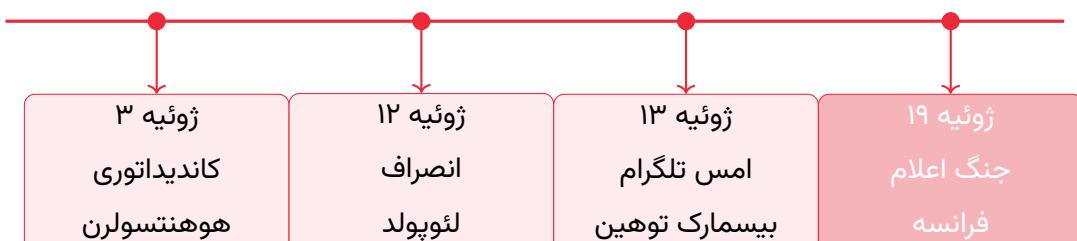
— ژول فاور، ۱۸۶۷

## ۸.۱ سقوط امپراتوری (۱۸۷۰)

### ۱.۸.۱ بحران جانشینی اسپانیا

در ژوئیه ۱۸۷۰، کاندیداتوری شاهزاده لئوپولد هوهنتسولرن (از خاندان پروسی) برای تاج اسپانیا، بحرانی دیپلماتیک آفرید. فرانسه این را تهدیدی برای تعادل قدرت می‌دانست.

#### جنگ آغاز و ۱۸۷۰ ژوئیه بحران



### تلگرام امس:

پادشاه پروس، ویلهلم اول، در امس با سفیر فرانسه ملاقات کرد. بیسمارک گزارش این ملاقات را طوری ویرایش و منتشر کرد که به نظر برسد پادشاه به سفیر فرانسه توهین کرده است. این «تلگرام امس» افکار عمومی فرانسه را برانگیخت و دولت فرانسه اعلام جنگ کرد—دقیقاً آنچه بیسمارک میخواست.

## ۲.۸.۱ فاجعه نظامی

جنگ فرانسه-پروس (۱۹ ژوئیه - ۱ سپتامبر ۱۸۷۰) یکی از سریعترین شکستهای تاریخ نظامی بود:

### جنگ فرانسه-پروس ۱۸۷۰

- ۴ اوت: شکست در ویسامبورگ
- ۶ اوت: شکستهای اشپیشلن و ورت
- ۱۸ اوت: محاصره متتس (مارشال بازن)
- ۱ سپتامبر: نبرد سدان-ناپلئون سوم تسلیم می‌شود
- ۲ سپتامبر: ۱۵۰،۰۰۰ اسیر فرانسوی از جمله امپراتور

### دلایل شکست:

- برتری عددی پروس (۲.۱ میلیون در برابر ۵۰۰،۰۰۰)
- برتری سازمانی و لجستیک آلمانی
- توپخانه برتر (توپ کروپ)
- رهبری ضعیف فرانسوی

## ۳.۸.۱ سقوط امپراتوری و اعلام جمهوری

با رسیدن خبر اسارت ناپلئون سوم به پاریس در ۴ سپتامبر ۱۸۷۰، جمعیت به مجلس هجوم آورد. نمایندگان جمهوری خواه به هتل دو ویل رفتند و جمهوری سوم را اعلام کردند. امپراتوری دوم بدون دفاع فروپاشید.

«امپراتوری سقوط کرده است. جمهوری اعلام شده است. یک دولت دفاع ملی تشکیل شده است.»

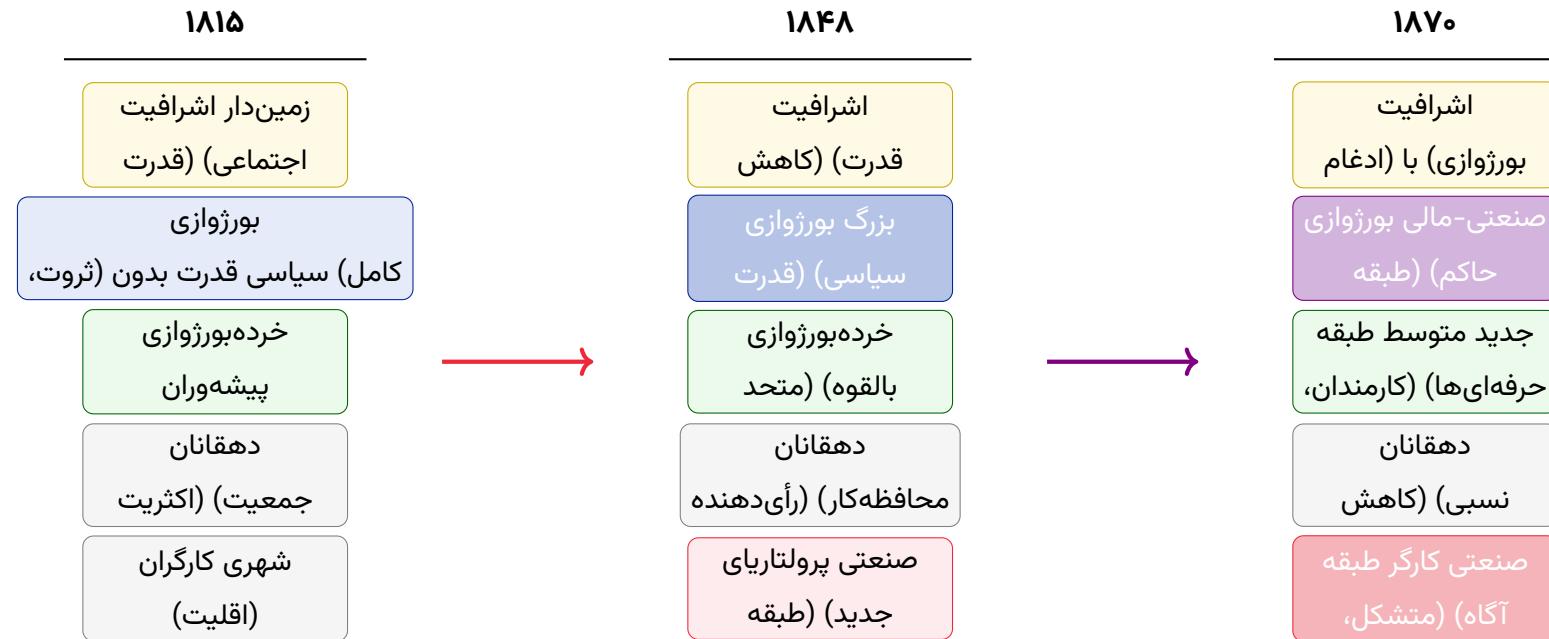
— اعلامیه ۴ سپتامبر ۱۸۷۰

## ۹.۱ تحلیل طبقاتی و ایدئولوژیک

### ۱.۹.۱ تحول ساختار طبقاتی

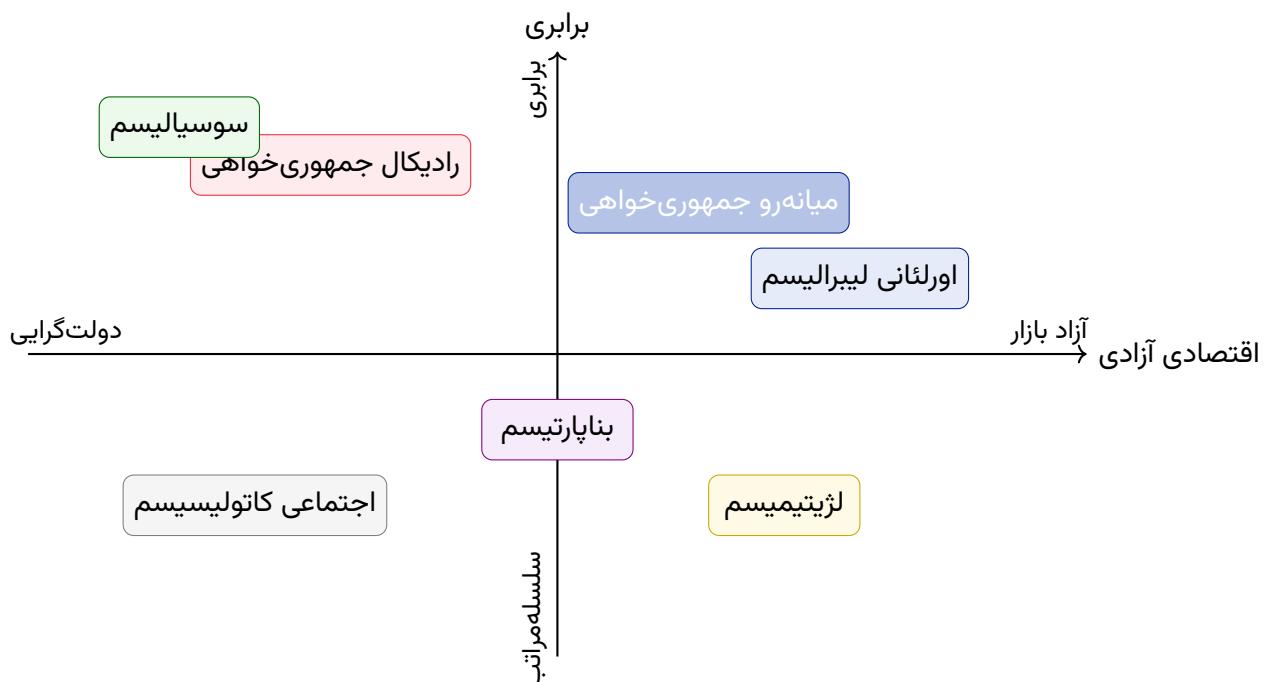
دوره ۱۸۱۵-۱۸۷۰ شاهد دگرگونی عمیق ساختار طبقاتی فرانسه بود:

## ۱۸۷۰-۱۸۴۸-۱۸۱۵ فرانسه طبقاتی ساختار تحول



## ۲.۹.۱ نقشه ایدئولوژیک

### نوزدهم قرن در فرانسه ایدئولوژیک نقشه



## ۳.۹.۱ جریان‌های فکری اصلی

### لیبرالیسم

لیبرالیسم فرانسوی در این دوره چند شاخه داشت:

جدول ۱۷.۱: شاخه‌های لیبرالیسم فرانسوی

شاخه	نایندگان	ویژگی‌ها
لیبرالیسم دکترینر	گیزو، روایه-کولار	حکومت «ظرفیت‌ها»، رأی محدود
لیبرالیسم کاتولیک	لامنه، مونتالامبر	آشتی کلیسا و آزادی
لیبرالیسم دموکراتیک	توكویل	آزادی + دموکراسی، نگرانی از استبداد اکثریت
لیبرالیسم اقتصادی	باستیا، سی	بازار آزاد، ضد مداخله دولت

«دموکراسی و سوسیالیسم جز در یک کلمه مشترک نیستند: برابری. اما تفاوت را ببینید: دموکراسی برابری در آزادی می‌خواهد، سوسیالیسم برابری در اجبار و بندگی.»  
— آلكسی دو توكویل

### سوسیالیسم اولیه

فرانسه زادگاه سوسیالیسم اولیه (یوتوپیایی) بود:

جدول ۱۸.۱: متفکران سوسیالیست اولیه فرانسه

متفسر	سال‌ها	ایده‌های کلیدی
سن سیمون	۱۸۲۵-۱۷۶۰	جامعه صنعتی، تکنوقراسی، «بهره‌کشی انسان از انسان»
شارل فوریه	۱۸۳۷-۱۷۷۲	فالانستر (کمون‌های تعاقنی)، هماهنگی اجتماعی
پرودون	۱۸۶۵-۱۸۰۹	«مالکیت دزدی است»، فدرالیسم، موتوئالیسم
لویی بلان	۱۸۸۲-۱۸۱۱	کارگاه‌های اجتماعی، دولت به عنوان سازمان‌دهنده کار
بلانکی	۱۸۸۱-۱۸۰۵	انقلاب از طریق توطئه نخبگان، دیکتاتوری انقلابی
اتین کاپه	۱۸۵۶-۱۷۸۸	«ایکاری»، کمونیسم یوتوپیایی

### واژه «سوسیالیسم»:

این واژه در دهه ۱۸۳۰ در فرانسه رایج شد. پیش از آن، اصطلاحاتی مانند «کمونیسم»، «اشتراکیگری»، یا صرفاً «سیستم‌های اجتماعی» به کار می‌رفت. پیر لورو (۱۸۷۱-۱۷۹۷) از نخستین کسانی بود که واژه «سوسیالیسم» را به کار برد.

### جمهوری‌خواهی

جمهوری‌خواهی فرانسوی نیز طیفی گسترده داشت:

- **جمهوری‌خواهان میانه‌رو:** لامارتین، ماری-جمهوری لیبرال، حقوق فردی
- **جمهوری‌خواهان رادیکال (کوه):** لدور-روان-رأی همگانی، اصلاحات اجتماعی
- **جمهوری‌خواهان سوسیالیست:** لویی بلان-جمهوری دموکراتیک و اجتماعی
- **نئوژاکوبن‌ها:** بلانکی-انقلاب دائمی، دیکتاتوری پرولتاپیا

## ۱۰.۱ نقش طبقه کارگر جدید

### ۱.۱۰.۱ شکل‌گیری طبقه کارگر

صنعتی‌شدن فرانسه، هرچند کندر از انگلستان، طبقه کارگر صنعتی جدیدی به وجود آورد:

جدول ۱۹.۱: رشد طبقه کارگر صنعتی فرانسه

شاخص	۱۸۳۰	۱۸۵۰	۱۸۷۰
کارگران صنعتی (میلیون)	۵.۲	۰.۴	۵.۵
کارگران معدن	۰۰۰,۳۰	۰۰۰,۶۵	۰۰۰,۱۵۰
کارگران نساجی	۰۰۰,۸۰۰	۱.۱ میلیون	۳.۱ میلیون
کارگران فلزکاری	۰۰۰,۱۵۰	۰۰۰,۲۵۰	۰۰۰,۴۵۰
ساعت کار روزانه	۱۶-۱۴	۱۴-۱۲	۱۲-۱۱

## ۲.۱۰.۱ شرایط زندگی و کار

### شرایط طبقه کارگر در میانه قرن نوزدهم

- دستمزد: ۵.۱ تا ۳ فرانک در روز (مرد)، ۷۵.۰ تا ۵.۱ (زن)، ۵.۰ (کودک)
- ساعت کار: ۱۲ تا ۱۵ ساعت، ۶ روز در هفته
- کار کودکان: از ۷-۶ سالگی در کارخانه‌ها (قانون ۱۸۴۱ محدودیت ضعیف)
- مسکن: اتاق‌های تنگ و تاریک، بدون بهداشت
- بیماری: سل، وبا، حصبه شایع
- امید به زندگی: در محلات کارگری ۳۰-۲۵ سال کمتر از مناطق ثروتمند

«در منچستر و لیل، کارگر زودتر می‌میرد، اما زندگی نکرده می‌میرد. در این کارخانه‌های عظیم که ماشین‌ها غرش می‌کنند، انسان به زائد ماشین تبدیل شده است.»

— ویلرمه، «جدول وضعیت فیزیکی و اخلاقی کارگران»، ۱۸۴۰

### ۳.۱۰.۱ سازمانیابی کارگری

#### فرانسه در کارگری سازمانیابی مراحل



#### انترناسیونال اول

در سپتامبر ۱۸۶۴، «انجمن بین‌المللی کارگران» (انترناسیونال اول) در لندن تأسیس شد. بخش فرانسوی آن نقش مهمی داشت:

##### انترناسیونال اول و فرانسه

- تأسیس: ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴، لندن
- نمایندگان فرانسوی: تولن، فریبور، لیموزن (پرودونیست‌ها)
- گرایش غالب در فرانسه: موتوئالیسم پرودونی (تعاونی‌گرایی)
- رشد: از چند صد عضو (۱۸۶۵) به ده‌ها هزار (۱۸۷۰)
- سرکوب: محاکمات ۱۸۶۸ و ۱۸۷۰، انحلال رسمی
- نقش در کمون: بسیاری از رهبران کمون ۱۸۷۱ عضو انترناسیونال بودند

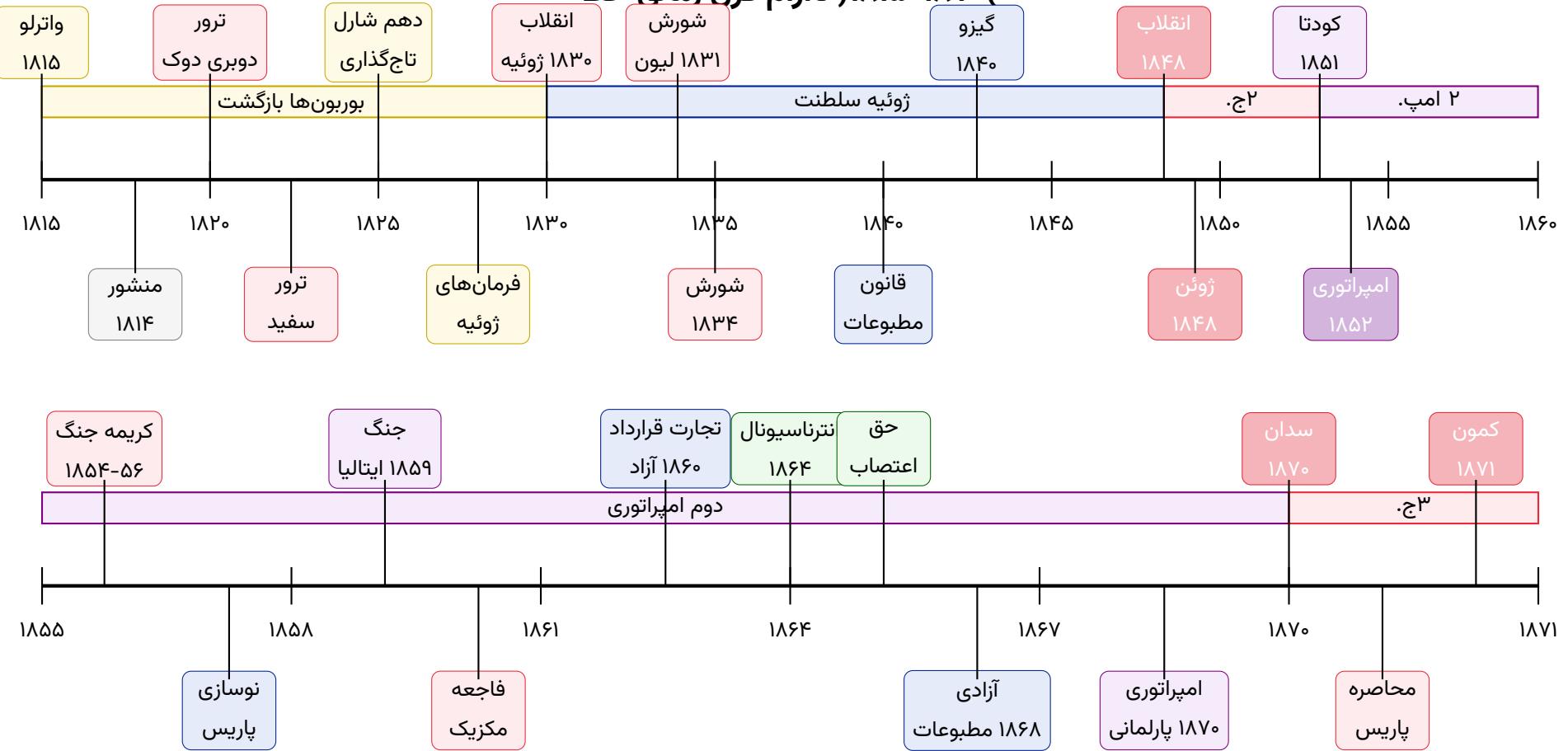
### ۴.۱۰.۱ آگاهی طبقاتی

روزهای ژوئن ۱۸۴۸ نقطه عطفی در شکل‌گیری آگاهی طبقاتی کارگران فرانسوی بود. پیش از آن، کارگران اغلب خود را بخشی از «مردم» (peuple) یا «ملت» می‌دانستند. پس از ژوئن، شکاف میان کارگران و بورژوازی آشکار شد.

«ژوئن ۱۸۴۸ نخستین جنگ داخلی بزرگ میان پرولتاریا و بورژوازی بود... توهمات فوریه درباره برادری طبقات، که قرار بود در جمهوری به ثمر بنشیند، در خون کارگران پاریس غرق شد.»  
– کارل مارکس، «مبارزات طبقاتی در فرانسه»

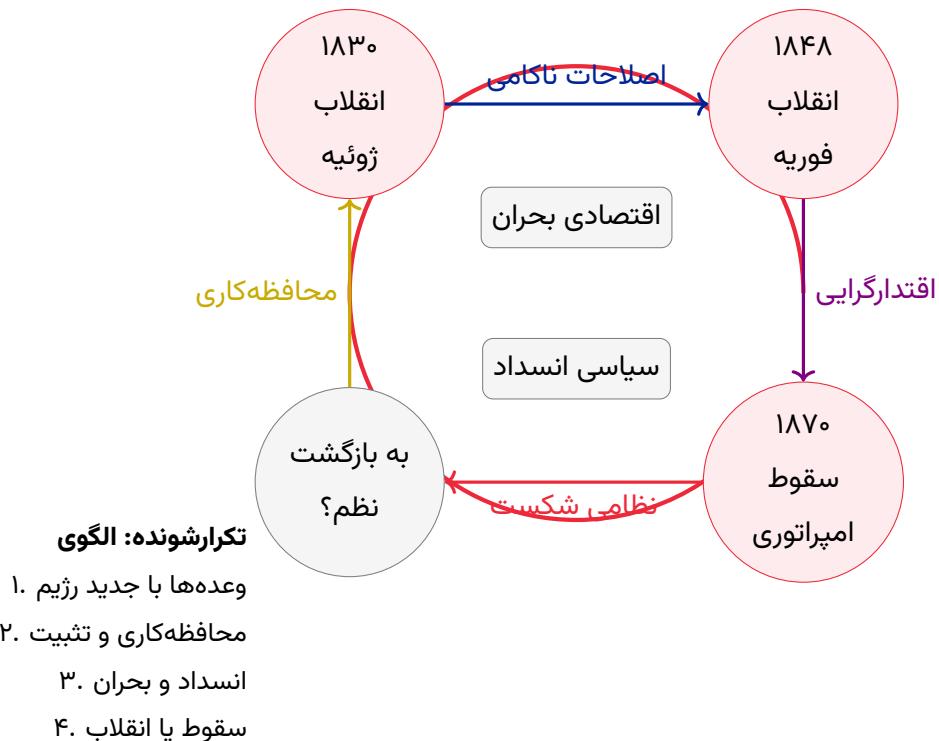
## ۱۱.۱ خط زمانی جامع

## ۱۸۱۵-۱۸۷۰ (ناآرام قرن زمانی خط)



## ۱۲.۱ نقشه مفهومی: چرخه‌های انقلاب

### فرانسه در انقلاب-ارتجاع چرخه



## ۱۳.۱ الگوهای و درس‌ها

### الگوهای کلیدی قرن ناآرام

#### ۱. الگوی «انقلاب ریوده‌شده»:

- ۱۸۳۰: کارگران و پیشه‌وران می‌جنگند، بورژوازی قدرت را می‌گیرد
- ۱۸۴۸: مردم جمهوری می‌خواهند، بنای پارتبیسم پیروز می‌شود
- نتیجه: شکاف میان انقلابیون خیابانی و بهره‌برنده‌گان سیاسی

#### ۲. الگوی «میانه‌روی ناپایدار»:

- هر رژیم میانه‌رو (لویی هجدهم، لویی-فیلیپ، جمهوری دوم) تحت فشار افراط‌ها سقوط می‌کند
- میانه‌روی بدون پایگاه اجتماعی محکم، ناپایدار است

۳. الگوی «رأی همگانی محافظه‌کار»:

- رأی همگانی لزوماً به نتایج رادیکال نمی‌انجامد
- روستاییان (اکثریت) تمایل محافظه‌کارانه دارند
- ناپلئون سوم با رأی دهقانان به قدرت رسید

۴. الگوی «مسئله اجتماعی حل نشده»:

- هر رژیم با مسئله فقر و نابرابری مواجه است
- سرکوب (ژوئن ۱۸۴۸) راه حل پایدار نیست
- مسئله به نسل بعد منتقل می‌شود

«تاریخ فرانسه از ۱۷۸۹ تا امروز، تاریخ جستجوی بی‌پایان برای شکلی از حکومت است که هم آزادی را تصمین کند و هم نظم را، هم برابری را و هم مالکیت را.»  
— فرانسوا فوره

## ۱۴.۱ جمع‌بندی فصل

### جمع‌بندی: قرن ناآرام (۱۸۱۵-۱۸۷۰)

رژیم‌ها:

- بازگشت بوربون (۱۸۱۴-۱۸۳۰): تلاش ناموفق برای سازش سلطنت و انقلاب
- سلطنت ژوئیه (۱۸۳۰-۱۸۴۸): سلطنت بورژوازی، امتناع از اصلاحات
- جمهوری دوم (۱۸۴۸-۱۸۵۲): آزمایش کوتاه دموکراسی، شکست
- امپراتوری دوم (۱۸۵۲-۱۸۷۰): اقتدارگرایی + مدرنیزاسیون، سقوط در جنگ

انقلاب‌ها:

- ۱۸۳۰: سه روز شکوهمند — علیه ارتیاج شارل دهم
- ۱۸۴۸ (فوریه): علیه انسداد سیاسی لویی-فیلیپ
- ۱۸۴۸ (ژوئن): جنگ طبقاتی — سرکوب کارگران
- ۱۸۷۰: سقوط بدون انقلاب — شکست نظامی

تحولات بنیادین:

- صنعتی‌شدن و پیدایش طبقه کارگر

- گسترش تدریجی حق رأی تا رأی همگانی مردان
- شکلگیری ایدئولوژی‌های مدرن (لیبرالیسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم)
- ظهور «مسئله اجتماعی» به عنوان چالش اصلی سیاست

**میراث:**

- رأی همگانی مردان به عنوان اصل پذیرفته شده
- جمهوری خواهی به عنوان گرایش غالب (پس از ۱۸۷۰)
- جنبش کارگری سازمان یافته
- خاطره ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱ در جنبش‌های چپ

## منابع فصل

- .۱۹۷۳ Seuil, Paris: République. la de l'apprentissage ou ۱۸۴۸ Maurice. Agulhon, •  
.۲۰۰۰ Pygmalion, Paris: Empire. Second le et République IIe La Sylvie. Aprile, •  
Routledge, London: Monarchy. of End The : ۱۸۴۸ and France William. Fortescue, •  
.۲۰۰۵  
.۱۹۹۲ Blackwell, Oxford: ۱۸۸۰-۱۷۷۰ France, Revolutionary François. Furet, •  
Blackwell, Oxford: vols. ۲ Class. Working French the of History A Roger. Magraw, •  
.۱۹۹۲  
.۱۹۷۲ UP, Princeton Princeton: ۱۸۳۰ of Revolution French The David. Pinkney, •  
Cam- Power. Political of Anatomy An Empire: Second French The Roger. Price, •  
.۲۰۰۱ UP, Cambridge bridge:  
.۱۹۸۰ UP, Cambridge Cambridge: France. in Revolution and Work H. William Sewell, •  
George Trans. ۱۸۴۸ of Revolution French The Recollections: de. Alexis Tocqueville, •  
.۱۹۷۰ Doubleday, York: New Lawrence.  
.۱۹۹۶ Longman, London: ۱۹۱۴-۱۸۱۴ France Robert. Tombs, •